



معرفی و نقد کتاب

«اسلام و خشونت در عصر مدرن»

دکتر علی اکبر کمالی اردکانی

بحث و بررسی پژوهشگران و تحلیلگران مسائل سیاسی در خصوص جریان‌های مختلف اسلام‌گرا در دهه‌های اخیر و خصوصاً به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، همواره رو به افزایش بوده است، اما حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، نقطه عطفی در این مطالعات و جهت‌گیری‌های آن محسوب می‌شود. به اعتقاد بسیاری از محققان، از این مقطع به بعد، کلیشه‌ها و برچسب‌های ستیزه‌جویانه از اسلام و مسلمانان در دنیای غرب به شدت افزایش یافته، تا جایی که بسیاری مدعی شده‌اند که اسلام و مسلمانان، مظهر تروریسم و اعمال خشونت‌آمیز در دنیای مدرن هستند. متأسفانه موج عظیمی از تبلیغات و نوشته‌های سطحی و ژورنالیستی رسانه‌های غربی در چند سال اخیر، به بهانه اقدامات گروه‌های رادیکال و تندرویی چون القاعده، مسلمانان را مخالف تکثر، تنوع، تجدد، مذاکره، گفت‌وگو و سازش معرفی کرده و اعلام جنگ علیه تروریسم را به معنای جنگ علیه

Beverly Milton-Edwards, *Islam and Violence in the Modern Era*, Pal gave Macmillan, ۲۰۰۶.

پژوهشگر در حوزه اندیشه سیاسی اسلام



اسلام دانسته‌اند. در چنین فضایی، لزوم برنامه‌ریزی گسترده برای مقابله با تهدید اسلام‌گرایان یا خطر سبز^۱ مورد تأکید قرار گرفت. در این میان، معدود افراد محققى نیز وجود داشته‌اند که در مراکز تحقیقاتی دانشگاهی، به بررسی عمیق ابعاد موضوع «اسلام و خشونت» پرداخته و تلاش کرده‌اند که به تحلیل ریشه‌های حوادث دهه اخیر در جهان اسلام و برخوردهای متفاوت مسلمانان با غرب بپردازند. بی‌تردید، آشنایی با چنین تحقیقاتی برای ما ایرانیان که به عنوان یکی از مراکز اصلی جریان اسلام‌گرایی در دنیا معرفی می‌شویم، خالی از لطف نیست. کتاب «اسلام و خشونت در دوران مدرن» اثر خانم دکتر بیورلی میلتن ادواردز از معدود آثار تحقیقی و نسبتاً موفقی است که برای فهم ریشه‌ها و علل اصلی برخوردهای جریان‌ات اسلام‌گرا با غرب تلاش کرده است. نامبرده که استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه کوئین بلفاست، واقع در ایرلند شمالی است، نزدیک به دو دهه است که در حوزه اسلام سیاسی، خاورمیانه، منازعه اعراب و اسرائیل و مسئله فلسطین مطالعه می‌کند. «سیاست اسلامی در فلسطین» (۱۹۹۶) «سیاست‌های جاری در خاورمیانه» (۱۹۹۹) «اسلام و سیاست در جهان معاصر» (۲۰۰۴) و «بنیادگرایی اسلامی از سال ۱۹۴۵» (۲۰۰۵) از جمله کتاب‌های منتشر شده وی در این حوزه است. در این جا به معرفی و نقد مختصر کتاب «اسلام و خشونت در عصر مدرن» می‌پردازیم. که در ۲۳۱ صفحه، شامل پیشگفتار، مقدمه، پنج فصل، جمع‌بندی، کتابشناسی و نمایه منتشر شده است.

۱. معرفی کتاب

پیشگفتار

مؤلف در پیشگفتار، اشاره می‌کند که تحقیقات مربوط به نگارش این کتاب را قبل از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز کرده، اما بی‌تردید، پی‌آمدهای این حادثه، در ظاهر و نتایج آن تأثیر داشته است. وی با اشاره به تجربه حضور و زندگی در جوامع موسوم به پر خشونت در خاورمیانه، تأکید می‌کند که هدف او بررسی دقیق‌تر پدیده‌هایی است که نوعی برداشت سطحی از آن در جوامع غربی، رایج شده است. از نظر وی چنین کاری باعث می‌شود که با به دست آوردن تصویری کامل‌تر از اسلام و بخش‌های خشونت‌آمیز آن،

i. Green peril

بتوان تروریست‌ها را از جنگ‌جویان آزادی‌خواه، و اقدامات عادلانه را از ناعادلانه متمایز ساخت. در نهایت، تأکید می‌شود که مطالب این کتاب به معنی دفاعیه‌ای برای اعمال تروریستی که به نام اسلام صورت می‌گیرد، نخواهد بود.

مقدمه

در مقدمه هجده صفحه‌ای کتاب، مؤلف تلاش می‌کند ضمن ارائه‌ی نمایی از مطالب کتاب، خلاصه‌ای از مطالب فصول پنج‌گانه و نحوه سازمان‌دهی آنها را بیان کند. از جمله مهم‌ترین نکات این مقدمه، آن است که امروزه گفته می‌شود که اگر چه همه مسلمانان، تروریست نیستند، اما متأسفانه برخی از تروریست‌های جهان، مسلمان هستند. (ص ۱) اسلام، دین بیش از یک میلیارد نفر از انسان‌ها در سراسر دنیاست که نژادها، فرهنگ‌ها و شرایط سیاسی - اقتصادی گوناگونی دارند. جزم‌گرا، مذهبی، سکولار، سوسیالیست، محافظه‌کار، اصلاح‌طلب، بنیادگرا و ده‌ها صفت دیگر را می‌توان به یک مسلمان نسبت داد. در داخل و میان مسلمانان، شاخه‌ها و تقسیم‌بندی‌های بسیاری وجود دارد. بنابراین، تنوع در هویت مسلمانان، بسیار بیش از فهم ساده غربی‌ها از اسلام و ایمان است. (ص ۲) در اسلام، مانند یهودیت و مسیحیت، ارزش‌ها، رفتارها و مباحث صلح‌آمیز بسیاری وجود دارد، اما در حال حاضر در دنیای غرب، فقط روی مفهوم جهاد و برخی جنبه‌های خشونت‌آمیز اسلام، تأکید می‌شود. (ص ۶) از زمان وقوع حادثه یازده سپتامبر، به طور روزافزونی، تروریسم و خشونت را به اسلام و مسلمانان نسبت می‌دهند و در واقع، معتقدند همه گروه‌های اسلامی باور به اعمال خشونت‌آمیز دارند؛ مگر آن که خلاف آن ثابت شود. به علاوه، اسلام به طور روزافزونی به عنوان آنتی‌تزی برای نظم نوین جهانی، مطرح شده و تروریسم اسلامی را واکنش مسلمانان به مدرنیته غربی و جهانی شدن عنوان می‌کنند. به هر حال، این کتاب تلاش می‌کند بدون ورود به مباحث عینی و جزئیات خشونت‌ها و اقدامات گروه‌های اسلامی در افغانستان، عراق، چین، الجزایر و... به اموری نظری و تئوریک بپردازد. (ص ۸)

فصل اول

این فصل به بیان تاریخچه‌ای از رابطه اسلام و خشونت از ابتدا تا عصر حاضر، اختصاص یافته است. نگارنده پس از تأکید بر این که علاوه بر اسلام، هنوز، یهودیت، مسیحیت، هندوئیسم و ... در زندگی مردم در کشورهای مختلف تأثیر دارند، اذعان می‌کند



که تلاش قدیمی پروژه سکولاریزاسیون برای اخراج مذهب از حوزه عمومی در بسیاری از کشورها به ثمر نرسیده و هنوز مذهب به عنوان وسیله‌ای برای تنظیم اقتدار و نظم اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود. در ادامه این فصل، نکات جالبی در خصوص تاریخ دولت و قدرت در اسلام بیان می‌شود که برخی از آنها چنین است:

- تأسیس دولت در مدینه توسط پیامبر اسلام، با توجه به فرهنگ و شرایط آن روز جهان عرب، اقدامی خشونت‌آمیز نبوده است. با توجه به پیمانی که پیامبر در ابتدای ورود به مدینه با قبایل مختلف و با اقلیت‌های دینی اهل کتاب منعقد کرد، مبنای حکومت اسلامی بر اجماع و صلح بود، نه بر نزاع و جنگ. (ص ۳۵)

- صرف نظر از اختلافات شیعیان و اهل سنت در شکل حکومت، به دنبال تشکیل خلافت به عنوان شکل دولت اسلامی بعد از پیامبر اسلام، استفاده از زور و خشونت، امری کنترل شده بود و خلیفه، ملزم به رعایت شریعت و قانون الهی بود. (ص ۴۰)

- اصل جهاد در اسلام، مطابق فرهنگ و آداب جنگ و صلح در جهان آن روز، بیشتر مربوط به دفاع از مرزها به کار رفته و طبق اصول و قوانین خاصی به کار می‌رفت. خشونت کور و قتل و غارت در اسلام وجود نداشته است. (ص ۴۳)

- بن لادن را نباید نماینده اسلام مدرن و اسلام‌گرایی دانست. چنین افرادی، یک اقلیت کوچک و کم طرفدارند که رسانه‌ها، آنها را بسیار بزرگ کرده‌اند. (ص ۴۶)

- اگر قرار باشد برای متهم کردن مسلمانان به تروریسم، به افسانه‌های مربوط به حسن صباح و اسماعیلیه برگردیم، باید به اقدامات جنگ‌جویان صلیبی مسیحی در آن دوران و مسائلی نظیر آن نیز توجه داشته باشیم. همچنین قرن‌ها یهودی‌ستیزی توسط مردم و رهبران اروپایی نیز نباید فراموش شود. (ص ۴۸)

فصل دوم

در این فصل با اشاره به تنش تاریخی و سابقه‌دار بین اسلام و غرب، به تأثیر این امر در رابطه با مسلمانان در عصر حاضر می‌پردازد. از نظر وی، علی‌رغم مطالعات انجام شده از دهه ۱۹۹۰، در جوامع آکادمیک توافقی در خصوص مشکل اصلی اسلام و غرب وجود ندارد. عده‌ای، مشکل مسلمانان را مشکل فکری و کلی با جوامع مدرن سکولار دانسته و عملیات تروریستی را اقدام دفاعی در برابر غرب عنوان می‌کنند. در مقابل، گروهی خواستار کنار گذاشتن مسائل و اختلافات تاریخی بوده و معتقدند مشکلات و درگیری‌های کنونی،

اموری ناشی از عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و منطقه‌ای هستند. (ص ۵۳) برای نمونه، یکی از مهم‌ترین مشکلات مسلمانان با دنیای غرب، مسئله اسرائیل است؛ زیرا علی‌رغم تعابیر مختلفی که از رابطه اسرائیل با دنیای غرب مطرح شده، اکثریت قاطع مسلمانان، اسرائیل را مظهر تجاوز و سلطه‌طلبی غرب بر جهان اسلام می‌دانند. (ص ۶۰)

به هر حال، بعد از ماجرای یازده سپتامبر، اقدامات محدود کننده بسیاری علیه مسلمانان در غرب انجام شده و قوانین متعددی برای محدود کردن مهاجران مسلمان وضع شده است. این اعمال باعث شده که بسیاری از مردم غرب نیز از مسلمانان، احساس تهدید و ترس کرده و خواهان برخورد با آنان باشند. تبلیغات بی‌رویه رسانه‌ها و ساختن فیلم‌های متعدد علیه مسلمانان، این گونه مشکلات را دوچندان کرده است. در این میان، مبارزات اصیل مسلمانان برای احقاق حقوق خودشان، که بر ضد بی‌عدالتی‌ها، مبارزه با روند استعمار و استثمار غربی و دیکتاتورهای موجود در کشورهایشان بوده، تحت الشعاع چنین تبلیغاتی قرار گرفته است. (ص ۸۰)

فصل سوم

در این فصل، مباحثی نظری و تئوریک در خصوص تعریف خشونت و جایگاه آن در ادیان مختلف، خصوصاً اسلام، و رابطه بحث خشونت و قدرت مطرح می‌شود. نگارنده پس از اذعان به دشوار بودن تعریف خشونت در فرهنگ و ادیان مختلف، و رابطه آن با بحث حکومت و قدرت، تأکید می‌کند خشونت از نوعی که هابز بیان کرده، در همه جوامع و فرهنگ‌ها وجود دارد. (ص ۸۷)

در مورد خشونت در اسلام نیز این ابهام وجود دارد که ما باید رفتار و اعمال بیش از هزار ساله مسلمانان را مدنظر قرار دهیم، یا آنچه که در متون اصلی، یعنی قرآن و سنت آمده است. نباید فراموش کرد که ما با فرقه‌های مختلفی از مسلمانان روبه‌رو هستیم که برداشت‌های متفاوتی از کتاب و سنت دارند. (ص ۸۸)

شکاف تاریخی بین شیعه و سنی و نحوه برخورد آنها با دشمنان داخلی، مسئله شهادت امام حسین علیه السلام و سمبل بودن این شهادت برای شیعیان، تأثیر این جنبه از فرهنگ شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی، جایگاه خشونت در شریعت اسلامی و رابطه آن با بحث قدرت و عدالت، ظهور فرقه وهابیت در عربستان و تمایز آن با سایر فرقه‌های اهل سنت در نحوه استفاده از زور و برخورد خشونت آمیز آنها با سایر مسلمانان (ص ۱۰۳) دیدگاه‌های

اجتهادی امام خمینی(ره) در مبحث ولایت فقیه (ص ۱۰۹)، بحث خشونت در عرصه عمومی و خصوصی و به ویژه، مسئله خشونت در برخورد با زنان در جهان اسلام (ص ۱۱۲)، نمونه‌ای از مباحث مفصل و قابل توجهی است که مؤلف در این فصل به بررسی آنها پرداخته است.

فصل چهارم

در این فصل، جنبه دیگری از رابطه مذهب و خشونت، با عنوان «خشونت مقدس» مطرح شده که در واقع، تلاش برای توضیح پدیده شهادت در اسلام است. برای این کار، مؤلف، بحثی را در خصوص «قربانی کردن» افراد و انگیزه آنها در ادیان و فرهنگ‌های مختلف، ارائه می‌دهد. از نظر وی بحث فدا شدن افراد به خاطر ملت، سرزمین، مذهب و مبارزه با ظلم و ستم، سابقه‌ای طولانی در تاریخ داشته و در ادیان و سرزمین‌های مختلف از چنین افرادی تجلیل شده است. با این حال نباید فراموش کرد که مفهوم فدا شدن یا جانبازی افراد در فرهنگ سکولار امروز جهان غرب، بسیار ظاهری و سطحی، مطرح می‌شود و افراد تنها در قالب‌های کوچک و خردی چون هنر، مد، ورزش، تئاتر، فیلم و... با آن روبه‌رو می‌شوند. به هر حال، نمونه‌هایی چون پدیده کامیژاکی در ژاپن در دوران جنگ جهانی و بمب‌گذاران انتحاری در میان ببرهای تامیل، نمونه‌های غیر اسلامی چنین پدیده‌ای است؛ بنابراین، پدیده بمب‌گذاری انتحاری یا شهادت طلبانه را نباید خاص مسلمانان دانست. (ص ۱۴۰)

با این حال، موج بمب‌گذاری‌های شهادت طلبانه مبارزان فلسطینی (۶۰ مورد بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲) و نمونه‌های متعدد دیگری که توسط القاعده در عراق، افغانستان و سایر مناطق انجام شده، باعث شده که امروزه این پدیده، ارتباط بسیاری با مسلمانان داشته باشد. به این ترتیب، تشکیل علنی گروه‌های شهادت طلب در مناطقی چون فلسطین، عراق، ایران، چین، جامو و کشمیر و... بسیار چشمگیر است. علی‌رغم همه این مسائل، نباید فراموش کرد علمای مسلمان در خصوص این نوع عملیات، خصوصاً در برخورد با شهروندان بی‌گناه، اجماع نداشته و در مواردی صراحتاً، آن را نهی کرده‌اند.



فصل پنجم

در این فصل نیز تلاش شده تا در ادامه مباحث فصل چهارم، پدیده «ترور مقدس»^۱ به عنوان مظهر خشونت در عصر مدرن، مورد بررسی همه جانبه قرار گیرد. از نظر مؤلف، بدون بررسی عوامل محیطی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که منجر به وقوع ترورهای اخیر توسط مسلمانان شده، درک ابعاد مختلف خشونت اسلامی آسان نیست. از نظر وی برای درک قیام‌های مسلمانان باید به محل زندگی آنها، نوع نظام سیاسی حاکم و مشکلات خاص هر یک توجه کرد؛ زیرا برخی از مسلمانان با نظام‌های دیکتاتوری سرکوبگری چون رژیم حاکم بر مصر مبارزه می‌کنند، برخی از آنها در فلسطین و لبنان، علیه اشغالگران سرزمین‌های خود در نبردند و برخی از آنها نظیر مسلمانان بوسنی، گرفتار خشونت‌های کور نژادی شده‌اند. متأسفانه عدم تفکیک این مسائل باعث شده که در دنیای غرب، همه مسلمانان نظیر حزب‌الله لبنان، وهابیون عربستان سعودی، فلسطینی‌های حماس، لوئیس فراخوان و جنبش ملت اسلام در آمریکا، مقاومتان بوسنیایی در برابر صرب‌های جنایتکار، اخوان المسلمین اردن و حتی جمعیت اسلامی ضد مواد مخدر در آفریقای جنوبی، در یک عنوان و به عنوان بنیادگرا دیده شوند. (ص ۱۷۸) متأسفانه در گفتمان غالب کنونی در دنیای غرب، فرض می‌شود که همه مسلمانان، طرفدار خشونت بوده و همه اسلام‌گراها، بنیادگرا هستند. (ص ۱۸۱)

به هر حال باید توجه داشت که «هدف ما انکار این امر نیست که بسیاری از گروه‌ها، خشونت سیاسی و ترور را با نام و سمبل دینی انجام می‌دهند؛ قصد دفاع از اعمال تروریستی این افراد را که به نام اسلام، اقدام می‌کنند، نداریم، و نمی‌خواهیم به ترور و خشونت، مشروعیت بدهیم... بلکه قصد داریم به این سؤال، پاسخ بدهیم که آیا طبیعت اسلام، خشونت و مرگ را تشویق می‌کند یا تنها معدودی از مسلمانان، ترور را با نام اسلام انجام می‌دهند؟» (ص ۱۸۵)

جمع بندی

بعد از حادثه سپتامبر، در مقابل سیلی از سؤال‌ها و ابهامات در مورد علل وقوع این حادثه، مهم‌ترین پاسخ و راهکار برخورد با «تروریسم اسلامی»، برخورد نظامی بوده که



منجر به اشغال کشورهای افغانستان و عراق و کشته شدن هزاران نفر شده است. در حالی که حتی با کشته شدن بن لادن و سایر رهبران القاعده نیز اندیشه و علت پیدایش چنین جریان‌هایی از بین نمی‌رود. «راهکار برخورد با پدیده تروریسم جهانی، علاوه بر برخورد نظامی، استفاده از راهکارهای سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و حقوقی است. برخورد با این مسئله، نیازمند برخوردی چند جانبه و چند وجهی است که زمینه‌ها و محیط پیدایش آنها را هم شامل شود. برای گفت‌وگو با مسلمانان، ابتدا باید مشخص کرد که در عرصه اسلام‌گرایان چه جریان‌هایی وجود دارد. اگر ما همه مسلمانان را به عنوان تروریست بدانیم، تنها راه حل، حذف همه آنهاست! اما اگر تنها گروه‌هایی را تروریست بدانیم، می‌توانیم با بقیه آنها گفت‌وگو کنیم». (ص ۱۹۵) نمی‌توان چنین موضوعاتی را سیاه و سفید دید و به پیچیدگی‌های آنها توجه نکرد. این امر شاید باعث شود که رابطه اسلام و تروریسم در عصر مدرن شکسته شود. (ص ۱۹۶)

۲. برخی از نقاط قوت کتاب

هر چند قضاوت در خصوص نقاط قوت و ضعف چنین کتابی، کار ساده‌ای نیست، اما به نظر می‌رسد برخی از نقاط قوت آن را می‌توان چنین دانست:

۱. تلاش مؤلف برای قضاوت بی‌طرفانه نسبت به موضوع تحقیق و ادعای این که تلاش داشته که ارزش‌های شخصی‌اش را به عنوان یک زن، مادر، انسان غربی و ... در تحقیق داخل نکرده (ص ۸) و گرفتار کلیشه‌های رایج نشود.

۲. تلاش مؤلف برای ترجمه و تبیین برخی از مفاهیم مهم اسلامی که تاکنون در دنیای غرب، کمتر بررسی و فهمیده شده‌اند. برای نمونه، وی مفاهیمی چون تقلید و اجتهاد (ص ۸۵) فتنه (ص ۹۰) شریعت (ص ۹۸) فریضه (ص ۹۹) فتوا (ص ۱۰۰) ولایت فقیه (ص ۱۰۹) و شهید و شهادت (ص ۱۲۸) را ترجمه کرده و تا حدودی توضیح داده و تلاش می‌کند که مخاطب غربی را با معنا و جایگاه آنها در میان مسلمانان آشنا سازد.

۳. استناد مستقیم مؤلف به برخی از آیات قرآن کریم و ذکر ترجمه انگلیسی برخی از آیات مرتبط با موضوع که با توجه به جایگاه قرآن در میان مسلمانان می‌تواند به درک مطلب، کمک زیادی بنماید. برای نمونه، استناد به آیات سوره شوری، حج و نساء در صفحات (۴۳، ۴۴، ۹۱، ۱۱۱، ۱۲۳، ۱۳۷).

۴. استناد مؤلف به سخنان یا آثار طیف وسیعی از شخصیت‌های مذهبی، سیاسی یا

اجرایی مسلمانان در عصر کلاسیک و دوران معاصر که حاکی از اطلاعات گسترده وی در این حوزه است. برای نمونه، با توجه به نوع مباحث ارائه شده به مطالب افرادی چون غزالی، ابن خلدون، مودودی، سید قطب، راشد الغنوشی، امام خمینی، سید محمد خاتمی، حسنی مبارک و بن لادن اشاره شده و نظرات آنها مورد بحث قرار گرفته است. در مجموع می‌توان گفت که مؤلف تلاش زیادی کرده که تا با تحقیق گسترده در موضوع مورد بررسی، مطالب خود را به صورت مستند بیان کند و این مهم‌ترین ویژگی مثبت برای هر کار تحقیقی است.

۳. برخی از نقاط ضعف کتاب

علی‌رغم تلاش‌های بسیار زیاد مؤلف و اطلاعات گسترده‌ای که وی از فرقه‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا گردآوری کرده، نقاط ضعفی نیز در کار وی دیده می‌شود:

۱. از نظر این جانب، مهم‌ترین نقطه ضعف این کتاب، نوعی محافظه‌کاری است که مؤلف در بیان مطالب، دچار آن شده است. بی‌تردید، بیان حقایق در مورد ماهیت صلح‌آمیز دین مبین اسلام، آن هم در فضای تبلیغاتی رسانه‌های غربی علیه اسلام و مسلمانان، کار دشواری است. از این رو نوعی احتیاط شدید در گفتار مؤلف دیده می‌شود. وی دو بار در پیشگفتار و صفحه پایانی فصل پنجم (ص ۱۸۵) به صراحت اعلام می‌کند که قصد دفاع از اعمال تروریستی مسلمانان را ندارد. به علاوه پس از اشاره مختصر به برخی از جنبه‌های صلح‌آمیز در آئین اسلام، از نتیجه‌گیری در این مورد خودداری کرده و تنها این سؤال را مطرح می‌کند که آیا نباید به این جنبه‌ها نیز توجه شود؟

۲. مؤلف به راحتی می‌توانست ده‌ها مورد از مواردی را که دخالت مستقیم قدرت‌های غربی در امور داخلی و سرنوشت کشورهای اسلامی، باعث خشم مسلمانان شده، بیان کرده و علل نارضایتی جنبش‌های اسلام‌گرا از این اعمال را نشان دهد. با این حال، کمتر وارد این مباحث شده و برای نمونه، تنها به این مورد اکتفا می‌کند که این سازمان سیاⁱⁱ بود که بن لادن و اطرافیانش را در دهه ۱۹۸۰ علیه دخالت شوروی در افغانستان، مسلح کرد و آموزش داد. (ص ۱۷۰)

در پایان باید گفت این کتاب، به رغم نواقص و کاستی‌های آن، کتاب مناسبی برای

پژوهشگران حوزه اندیشه سیاسی اسلام است که تلاش دارند به تهمت‌های گسترده رسانه‌های غربی در خصوص ارتباط اسلام با خشونت پاسخ دهند؛ چرا که در آن، اولین گام‌ها برای معرفی بهتر اسلام و جریان‌های اسلام‌گرا به دنیای غرب برداشته شده است.



سال یازدهم / شماره چهارم و چهارم / زمستان ۸۷